

# گزارشی از برگزاری مراسم های اول ماه مه امسال در کشورهای مختلف

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

مراسم اول ماه مه طبق سنت دیرینه ی خود از یک قرن پیش، امسال نیز همزمان در روز چهارشنبه در کشورهای مختلف جهان برگزار شد. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در لندن، برلین، کلن، فرانکفورت، اسلو، برگن و گوتنبرگ، همراه با کمیته های اول ماه مه، اتحادیه های کارگری، سازمان های ضد جنگ و شرکت وسیع فعالان و افکار مترقی جهان به پیشواز برگزاری روز جهانی کارگر رفتند.

طبقه کارگر در سخنرانی های پرشور رهبران کارگری در اول ماه مه امسال اعلام کرد که: ما دیگر بار بحران مالی طبقه بورژوا را بدوش نمی گیریم! طبقه کارگر بیش از این، فقر و محنت از قلب کشورهای پیشرفته صنعتی دنیا تا خاورمیانه خونین و آفریقای «رها شده» در چنگال گرسنگی را تحمل نخواهد کرد؛ هیچ استدلال و توجیهی را نمی پذیریم؛ ثروت و سرمایه ای که در جهان امروز انباشت شده است و در چنگ دولتها و اقلیت مفتخور طبقه بورژواست که در واقعیت امر، حاصل کار ما کارگران است، آنقدر زیاد است که رفاه و آسایش همه مردم دنیا را تامین کند. ... صفحه ۳

## غروب نظم جهان یک قطبی میتواند خونین نباشد

قسمت سوم: گزینه های «برون رفت از بن بست»

ثریا شهابی

غروب نظم نوین جهانی میتواند خونین نباشد اگر قدرت مردمی که در سراسر جهان، بخصوص در اروپا و آمریکا، در میدان است، در صحنه بماند، موانع پیشروی اش را از پیش پا بردارد و راه شکل دادن به یک بلوک قوی و مردمی انترناسیونال کمونیستی- کارگری، را باز کند.... صفحه ۴

حوزه های دینی تولید طلبه

انگل هایی که از پیکر زخمی جامعه

تغذیه می کنند! مظفر محمدی



## افتتاحیه کنگره یازدهم

آذر مدرسی

رفقا به همگی شما خوش آمد میگویم و امیدوارم بتوانیم طی این دو روز بحثهای خوبی داشته باشیم. زیاد وقت تان را نمی گیرم چون اسناد زیادی برای بررسی کردن داریم و امیدوارم بتوانیم به همه آنها بپردازیم.

فکر میکنم هر کس به اوضاع امروز دنیا نگاهی بیندازد، احساس دوگانه ای از اضطراب، نگرانی و التهاب، از اوضاعی که به شدت مخاطره آمیز است، در کنار امید از قدرتی که پائین در مقابل جهانی که برایش ساخته اند از خود نشان میدهد، به او دست میدهد. چه بعنوان انسانی که فقط رویدادهای جهان را تعقیب میکند و چه بعنوان کمونیست متحزب در یک حزب کمونیستی که وظیفه خود را تغییر جهان تعریف کرده است. احساس دوگانه ای که تک تک ما حداقل طی یکسال گذشته داشته ایم. دنیایی که در کنار تمام مخاطراتی که برای آن درست کرده اند، در آن عطش به زندگی، عطش به انسانیت، عطش به برابری، عطش به مقابله با این ارتجاع لجام گسیخته فقط آرزوی نهفته در قلبها نیست. بلکه در اعتراضات توده ای وسیع بر سر هر مسئله ای، بر سر معیشت، علیه نسل کشی، علیه کشتار، علیه جنگ، علیه استبداد و ... در تمام دنیا موج میزند. هیچ کشوری نیست که حاکمیت آن بتواند بگوید از این عطش و مقابله و رودررویی در امان است.

دوره ای که صفتبندی ها به سرعت تغییر کرد و پولاریزاسیون سیاسی عمیقی در جهان صورت گرفت. در دوره ای که پشت سر گذاشتیم، فاصله دو ساله بین دو کنگره، شاهد پوچ شدن چپ سنتی در غرب، چپ پارلمنتاریست یا چپ غیر کارگری، بودیم. دوره ای که توانستند بر متن جنگ اوکراین و تعمیم این پولاریزاسیون، بخشی از این چپ را به زائده راست افراطی، نیروهایی که میلیتاریسم حرف اول و آخرشان است، تبدیل کنند. زمانیکه به ایران و خیزش ۱۴۰۱ نگاه میکنید، آنجا هم بخشی از چپ، علیرغم مخالفت با طیفی از راست، به سیاهی لشکر بخش دیگری از نیروهای راست تبدیل شدند. ... صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

این چپ به زائده بخش اتنیکی نیروهای راست، و رنگ قومی زد به مبارزه مردم و اتنیکی کردن آن تبدیل شد.

به فاجعه فلسطین که نگاه میکنید، علیرغم وجود یک جنبش عظیم توده ای، یک جنبش جهانی علیه نسل کشی و در حمایت از مردم فلسطین، چپ و کمونیسم متحرب و سازمان یافته که این جنبش عظیم انسانی را نمایندگی کند، به شدت غایب است. هیچ وقت به اندازه امروز در جهان زمینه برای شکلگیری یک کمونیسم متحرب رادیکال، کارگری، مارکسیستی و پرقدردت و اجتماعی آماده نبوده است. دوره انقلاب اکتبر جهان در چنین وضعیتی نبود. پس از آنهم ما سالها شاهد چنین شرایطی نبودیم. امروز پائین جوامع در تمام دنیا، از طبقه کارگر تا انسانی که دیگر حاضر نیست جنگ و تباهی و تعرض به تمام ارزشهای انسانی را قبول و تحمل کند، به میدان آمده و اعتراض میکنند و به کل ساختار جهانی نه میگویند.

مسئله فلسطین و نسل کشی در نوار غزه این اعتراض و مقابله و ساختارشکنی را جهانی کرد و کلید این اعتراض جهانی را زد. این بهترین شرایط را برای هر نیروی کمونیستی فراهم میکند که اجتماعی و قدرتمند شود و مهر خود را بر این اوضاع و بر این جنبش جهانی بزند.

به حزب نگاه کنیم. ما میتوانیم و باید از زوایایی سربلند باشیم و به حق به خط رادیکال و کمونیستی مان افتخار کنیم.

در جنگ اوکراین ما مقهور نشدیم. ما سرباز ناتو و پروپاگاندا «دفاع از دموکراسی» و خطر حمله «بلوک شرق دوره جهان دوقطبی» نشدیم. ما ایستادیم و واقعیات را گفتیم. ما در مقابل آن تعرض ایستادیم، هرچند از نظر قدرت بخش کوچکی بودیم اما از نظر خط و سیاست شاید روشن ترین نیرویی بودیم که گفتیم پشت این جنگ چه اتفاقات و تحولات و کشمکش های دیگری در جریان است.

در خیزش ۱۴۰۱ ما تنها جریانی بودیم که به هیچ ناسیونالیسمی امتیاز ندادیم و یک تنه در مقابل تمام احزاب اپوزیسیون ناسیونالیست، از ناسیونالیستهای «تحت ستم» تا عظمت طلب ایرانی ایستادیم و گفتیم به این خیزش و مبارزه متحد مردم رنگ قومی و اتنیکی نزنید و تا جائیکه توانستیم نگذاشتیم. در عین حال جامعه این قومی کردن را قبول نکرد و آنرا پس زد.

در نسل کشی مردم فلسطین ما بعنوان نیرو در کشوری که حکومت آن ادعا میکرد که یک پای این کشمکش است، برخلاف بخش اعظم و شاید تمام اپوزیسیون، با شدت کم یا بیشتر، مقهور «ضدیت با جمهوری اسلامی» نشدیم و آنرا مبنای سیاست خود قرار ندادیم و در کنار بشریت متمدن و آزادیخواه اعلام کردیم این نسل کشی باید پایان پیدا کند. اعلام کردیم علیرغم مخالفت قدرتهای محلی و جهانی، از ایران تا امریکا، حل مسئله فلسطین امر تمام بشریت انساندوست و جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین است. ما ایستادیم!

ما حق داریم از نظر سیاسی، از این نظر که کجای تاریخ ایستاده ایم، به خود افتخار کنیم. و باید به خودمان افتخار کنیم. اما این کافی نیست. فکر میکنم هیچ کس به اندازه کسانی که در این سالن نشسته اند به این واقعیت واقف نیستند. به اینکه این کافی نیست! اینکه هیچ نیرویی فقط با خط روشن و مارکسیستی نمیتواند پیش برود و پیروز شود، حرف ما از روزی است که این جنبش حزب خود را درست کرد و ما این حزب را درست کردیم. گفتیم برای پیروزی باید به قدرتی غیر قابل حذف تبدیل شویم. این نقطه ای است که ما هنوز باید به آن برسیم.

هر درجه از پیشروی چه در عرصه های اجتماعی چه در عرصه های سیاسی و نظری و بلند نگاه داشتن پرچم کمونیسم داشتیم، هنوز در عرصه اجتماعی و تبدیل شدن به یک حزب سیاسی قدرتمند و اجتماعی که مردم بتوانند به آن دخیل ببندند و فکر کنند میتوانند از طریق این حزب یک تغییر بنیادی در جامعه و زندگی شان بوجود بیاورند، حزبی که طبقه کارگر فکر کند از طریق این حزب میتواند به قدرت برسد، پیشروی های لازم را نکرده ایم و در این اشل ظاهر نمیشویم. هرچه اوضاع در پائین رادیکالت، بستر و شرایط برای ما و کمونیسم مناسبتر و آماده تر میشود، این عقب بودن ما از آن موقعیت و این کمبود آزردهنده تر و ضرورت تلاش برای رفع آن حیاتی تر میشود.

باید این دو وجه از موجودیت حزب را دید. باید نقطه قدرت را دید تا بتوانیم نقطه ضعف را بهتر برطرف کنیم. باید نقطه قدرت مان را دید، به حق به آن افتخار کرد و آنرا به اتکایی برای رفع موانع پیشروی مان تبدیل کنیم.

فکر میکنم امروز این حزب در موقعیتی قرار گرفته که باید راههای تبدیل شدن از حزبی که با خطی مارکسیستی و کمونیستی نه فقط در سطح ایران بلکه در سطح جهان، ایستاده و پرچم کمونیسم رادیکال و کارگری را بلند نگاه داشته، به یک جریان اجتماعی قوی که بتواند در صحنه سیاست نیرو جابجا کند، را پیدا کند.

کنگره یک بخش از این تلاش است. کنگره در ابعاد ماکرو میتواند اعلام کند خط تاکتونی حزب را تأیید میکند یا نه و دورها را علی العموم چگونه ببینند. اما کار اصلی بعد از کنگره شروع میشود و اساسا برعهده کسانی است که در این سالن حاضر هستند و نمایندگان کنگره است.

امیدوارم هم کنگره موفق داشته باشیم و هم پس از کنگره بتوانیم پیشروی های جدی در عرصه ها و زمینه های دیگر داشته باشیم و بتوانیم در کنگره آتی در مورد پیشروی هایمان در تبدیل کردن کمونیسم به قدرتی اجتماعی و موثر و تبدیل آن به نیرویی قدرتمند در معادلات سیاسی صحبت کنیم.

کنگره خوبی را برای همگی مان آرزو میکنم.

۲۲ آوریل ۲۰۲۴

## کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و  
تشکل حزبی شماست.

حزب را از آن خود کنید!

## حوزه های دینی تولید طلبه انگل هایی که از پیکر زخمی جامعه تغذیه می کنند!

مظفر محمدی

درصد درآمد نفت کشور به تولید خرافات. این در شرایطی است که به دستمزد کارگران و آموزش و پرورش زیر ۳۰ درصد و به بودجه ی بهداشت، زیر ۲۰ درصد افزوده شده است. این در شرایط بحران اقتصادی مرگباری است که جامعه را به فلاکت کشانده است. اما سوال این است که اگر هزینه ی کلان مالی از سفره ی مردم برای تبلیغ و اشاعه ی خرافات، دین را نجات می دهد، پس پوشاندن لباس نظامی بر تن طلبه ها به چه معنی است! پاسخ به روشنی این است که اسلام و مذهب و شریعت، راه برون رفت ندارد و نهایتاً، تنها ابزار دفاع از خود تبهکاران اسلامی، تفنگ و سرکوب و کشتار است. ایران غیر اسلامی و مدرن و مردم آزادیخواه و برابری طلب به رژیم اسلامی دین و سرمایه فهمانده است که دیگر حنای مساجد و حوزو ها و محرم ها و تولید انگل های طلبه رنگ ندارد.

انگل های بیشمار پتیاره و بیکاره ای چون آخوند، ملا، امام جمعه، طلبه، قمه زن و مداح و شیخ و مشایخ تنها باری بر دوش جامعه اند. بالغ بر یکصد هزار طلبه و ده هزار آخوند حقوق بگیر حوزه ها و هزاران مداح و مبلغ منبر و اخیراً فضای مجازی، مفتخوران بیکار و بیعار و کرم هایی هستند که بر پیکر جامعه ی فلاکت زده از فقر و بیکاری و تباهی جسمی و روانی مردم، چسبیده و تغذیه می کنند. طبقه کارگر و مردم ایران از صاحبان دین و سرمایه می خواهند به این سوالات جواب بدهند:

«اگر درب همه ی این دکان های فساد بسته شود، در جامعه چه اتفاقی می افتد؟ دیگر نانی از تنور در نمی آید؟ زباله های سفره ی ثروتمندان از سر و کولشان بالا می رود؟ فولادی از کوره بیرون نمی آید؟ ماشینی تولید نمی شود؟ خانه ای ساخته نمی شود؟ بیمارستان و مدرسه و جاده و پارک ها ساخته نمی شوند؟...»

جواب به سادگی این است که؛ هیچ اتفاقی نمی افتد. جامعه بر دوش طبقه کارگر می چرخد. زمانی که قدرت دست طبقه کارگر بیفتد، بر تن این انگل های تولید خرافات دینی لباس انسانیت پوشانده و وارد مشاغل شرافتمندانه ی تولید و خدمات اجتماعی میشوند. جامعه از گزند و تحقیر و انتقام دین بعنوان ابزار تحمیق و فریب در خدمت صاحبان سرمایه محفوظ می گردد و زنان نصف جامعه نفس راحتی می کشند. با حذف خرافات اسلامی و تولید کنندگانش هوای جامعه برای نفس کشیدن انسان پاک می شود. بودجه ی ده ها هزار میلیاردی حوزه های تولید خرافات و ضد علم، اسلام را نجات نمی دهد. جمهوری اسلامی را نجات نمی دهد، فقط چند سرباز بخت برگشته به صف نظامیان و ولگردان گشت ضد زن در خیابان ها اضافه می شود. جنبش طبقاتی کارگران و جنبش های اجتماعی آزادی زن و خلاصی جوانان ایران نهایتاً این گند و کثافات را از جامعه پاک می کنند.

گزارشی از برگزاری مراسم های اول ماه مه...

با این وصف، در کنار این ثروت و سرمایه نجومی طبقه بورژوا و دولت هایشان، در کنار هزینه های سرسام آور هیئت های حاکمه که صرف تولید اسلحه و جنگ و ادوات نظامی میشود، در کنار هزینه هایی که صرف دم و دستگاه تولید مذهب و خرافات میشود، در کنار تولیداتی که نه فقط جزو نیازمندی های بشر نیستند بلکه جز نابودی محیط زیست و آلوده کردن جوامع بشری و مرگ و میر ناشی از ضایعات این کالاها ارمغان دیگری به همراه ندارند، در کنار این تلبنبار شدن سرمایه و کوه سود، ما شاهد گسترش جنگ، ابعاد مرگ و میر و بیماری بر اثر گرسنگی و فقدان غذا و دارو و احتیاجات اولیه نسل بشر هستیم. ما این روند را دیگر قبول نخواهیم کرد؛ ما با همین سرمایه و ثروتی که تولید کرده ایم، فقر و بیکاری و جنگ و گرسنگی را خاتمه خواهیم داد. بشریت نه جنگ میخواهد و نه گرسنگی! این تیغ دو لبه را از دستتان خواهیم گرفت. ما دیگر نه فقط به کار ارزان و دستمزد بخور و نمیر تن نخواهیم داد بلکه نظام بردگی که جز کسب سود و سرمایه چیزی در چنته ندارد را کنار خواهیم زد و این مناسبات کاپیتالیستی را واژگون خواهیم کرد. نکته بارز دیگر در اول ماه مه امسال، همسرنوشتی و اتحاد محکم طبقاتی کارگران بود؛ طبقه کارگر اعلام کرد که از اروپا و آمریکا تا خاورمیانه، یک طبقه واحد است؛ کشتار و نسلکشی بخشی از این طبقه در خاورمیانه و زیر بمب افکن های دولت اسرائیل و دول

حامی آن، کشتار کل طبقه کارگر در جهان است؛ به گسنگی کشاندن هر بخشی از طبقه ما به معنی بیکاری و حمله به ابتدایی ترین نیازمندی های زندگی طبقه کارگر است؛ از اینرو طبقه کارگر در اول ماه مه امسال علیه کشتار و نسل کشی و علیه میلیتاریزم و فضای نظامی که در دنیای امروز حاکم است، متحدانه و همصدا ایستاد. همزمان با طنین اندازی سرود انترناسیونال، پوسترها و بنرهای زیادی از اتحادیه ها و شرکت کنندگان در مراسم های اول ماه مه امسال علیه کشتار و نسل کشی مردم فلسطین و پایان دادن کامل به جنگ و فضای نظامی در جهان را خواستار بودند.

به قول «مایک لینچ» رهبر اتحادیه کارگران قطار و ریل شهری در انگلستان، «مردم مترقی و آگاه جهان امروز تنها برای نان نیست که قد علم کرده اند بلکه در جهانی که منابع و ثروت اش به جای رفاه و خوشبختی همگانی، تحصیل و بهداشت رایگان در تجارت و مافیای نظامی آن هدر می رود، طبقه ی کارگر که شالوده و محرک اصلی سود و تولید را در دست دارد برای جهانی مرفه، برابر و آزاد و به دور از جنگ، ستم و بردگی مزدی همچنان مبارزه خواهد کرد!»

زنده باد اول ماه مه

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان  
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰۲۴ هـ ۲

که تاریخا به زور نژاد پرستی و مذهب و پول و رسانه و پلیس و هالیوود، بشریت متمدن در غرب را بیش از یک قرن در تنگنا قرار داده بود و به حاشیه رانده بود، در حمایت از فلسطین امروز آماج حملات این جنبش اعتراضی است.

برای دیدن سیمای مترقی، پیشرو جنبشی که امروز در غرب و بخصوص در آمریکا در میدان است، مقایسه ای میتواند این واقعیت را شفاف تر در مقابل چشمان قرار دهد. تنها تصور کنید که در جامعه ایران، در بطن جدال های جامعه بر سر معیشت و علیه خفقان، جنبش اعتراضی مردمی، پلیس و دادگاه و مجلسیان و مقام معظم و .. را به خاطر تعرضی که به افغانستانی تبارهای ایرانی میکنند یا آدم کشی هایش در عراق و .. در ابعاد هزاران نفره در خیابانها به پاسخگویی و محاکمه بکشاند و رای به رفتن شان بدهند! پیشرو، مترقی، انترناسیونالیستی بودن این اعتراضات، نه به خاطر فقط عواطف قلبی بخشی از جامعه، که بعلاوه و مهمتر به خاطر موجودیت مادی آن در زمین سفت، در خیابانها و محل های کار و میدیای اجتماعی که آن را منعکس میکند، است.

ما همیشه میگفتیم که غرب، برخلاف تصویری که میدیای دست راستی در غرب میدهند، تنها کانون ارتجاع نیست! کانون حمل میراث تجربیات تاریخی جنبش کارگری، انقلابات ترقیخواهانه، آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای است که از جمله مشکلات قدرت های حاکم بر آنها، ناتوانی در بازپس گرفتن دستاوردهای است که تاریخا در غرب بدست آمده است.

رسانه های لیبرال در غرب هراس شان واقعی است. دو قطب در غرب، در آمریکا و اروپا، راست افراطی و فاشیسم و نژادپرستی و جنگ طلبی و ... با ترقیخواهی مردمی، آزادیخواهی، چپ و سوسیالیستی، در مقابل هم جنگ نهایی خود را خواهند کرد. این جنگ فی الحال در جریان است. جنگی که در آن شیوخ کپک زده جهان عرب، ارتجاع اسلامی، ارتجاع یهودی و صهیونیسم در آن، نه تنها باز یگر اصلی نیستند که خود بازنده پیروزی قطب چپ اند. امروز بشریت مترقی در خیابانهای نیویورک و واشنگتن و پاریس و لندن و برلین، و از اروپا تا آفریقا و خاورمیانه و ... نه تنها علیه فقری که بر سر جامعه خودشان خراب شده است، بعلاوه برای تغییرات بنیادین به میدان آمده است. این جنبش بستر شکل گیری تحركات کارگری است که چهارچوب ها و محدودیت های تاریخی تردیونیسیم در غرب را پشت سرخواهد گذاشت! دموکراسی پارلمانی و تمام قوانین و مقررات سیاسی و اقتصادی و نظامی حافظ نظام کاپیتالیستی را زیر ضرب قرار داده است. اگر سازمان ملل و توافقات بین المللی بین خود قدرت های بورژوازی برپاد رفته و بی مصرف و بی خاصیت شده است، این خلا میتواند به قدرت این جنبش با قوانین و مقررات و نهادهای بین المللی و کشوری جدید، سوسیالیستی و انترناسیونالیستی، پر شود.

این تنها شانس و سیری است که میتواند پایان جهان یک قطبی و سقوط امپراطوری سلطه آمریکا و غرب بر جهان را به نفع بشریت، کم درد تر کند. سیری که در عین حال برای همه کشورها و جوامع دیگر، همچون دوره انقلابات صنعتی و کمون پاریس و جنبش های سوسیالیستی، راه پیشروی طبقه کارگر و بشریت محروم در دورافتاده ترین ویی حقوق ترین بخش های جهان را هم هموار می کند. ایران، خاورمیانه، امریکای لاتین و .. جغرافیاهایی که تاریخی از انقلابات و شورش های مردمی دارند، در وهله اول بیش از همه از پیشروی این جنبش بهرمنند و تقویت میشوند. این روند میتواند بطور موازی و همزمان در غرب و در جوامعی که در آن مبارزات مردمی با یک پرچم چپ و کارگری به سطح بالایی از تقابل با قدرت حاکمه رسیده است، چون ایران و برخی کشورهای دیگر در خاورمیانه و آفریقا و امریکا لاتین، پیشروی کند. تدوین یک استراتژی کمونیستی و کارگری در جهان و در هر کشور، گسترش نفوذ احزاب کمونیستی که قادر به «جا به جا کردن» قدرت در جامعه خود و در جامعه جهانی بر این محور هستند، بی تردید شرط پیروزی این جنبش است. ... ادامه در صفحه بعد

این تنها جنبش و قدرتی است که میتواند، در منجلابی که بورژوازی جهانی به رهبری آمریکا بیش از سه دهه است بر سر جهانیان خراب کرده است و زمین حاصلخیزی برای رشد و نمو باندهای بین المللی جنایی و جنگی و انواع ویروس های قومی و مذهبی بوجود آورده است، ورق را برگرداند. نه تنها به جنایاتی که امروز در غزه در جریان است پایان دهد، نه تنها به این سیکل جنایت و کشتار و فقر و بی حقوقی و سرکوب افسار گسیخته در سراسر جهان، که تمام قدرت های حاکم، شرقی یا غربی، بزرگ یا کوچک، مذهبی یا ملی و .. در آن شریک و ذینفع اند، برای همیشه پایان دهد که بنیادهای آینده روشنی برای کره خاکی را پایه ریزی کند.

بدنبال گسترش دامنه اعتراضات مردمی از اروپا و امریکا، تا آفریقا و خاورمیانه علیه نسل کشی اسرائیل در غزه، به دانشگاهها در آمریکا، فرانسه، استرالیا، ایتالیا و تسخیر دانشگاهها توسط نسل جوان، رسانه های لیبرال در خود جوامع غربی خبر از «جندی» بودن این اعتراضات و مقایسه آن با اعتراضات علیه جنگ ویتنام میدهند! و نسبت به قطبی شدن سراسر کشورها و پیامدهایی چون «جنگ داخلی» در آمریکا و ... هشدار میدهند.

هر میزان که برخی از این تبیین ها اغراق آمیز بنظر آید مانع از آن نیست که حقایقی که «هراس» این رسانه ها را برانگیخته است و آنها را به «هشدار» دادن های مکرر کشانده است، پنهان بماند. معلوم شد که در کیس نسل کشی در غزه، سیاستمداران و قانون گذاران و نهادهای قدرت در این جوامع بیش از حد بر کنترل شان بر «افکار عمومی» و قدرت شان در نابود کردن «ته مانده» ای از وجدان بشری در جوامع خودشان، حساب باز کرده بودند.

تقابل محکم و رادیکال بخش بزرگی از جوامع غربی، در آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان و ... با قدرت های حاکم، بر سر مسئله فلسطین و فجایعی که بنام منافع آنها در جهان صورت میگردد، راه نشان میدهد! این اعتراضات بسیار از تحركات سرنوشت ساز علیه جنگ ویتنام که ماشین جنگی آمریکا را از کار انداخت، از اعتراضات ممتد به دخالت های مخرب آمریکا در اینجا و آنجا و علیه کودتاهای پی در پی آن در امریکای لاتین و سایر کشورهای، فراتر است.

مقایسه «مو به مو» آن با جنبش علیه جنگ ویتنام، مانع آن میشود که وجوه دیگر و تعیین کننده تری از خیزش های اعتراضی که امروز حول مسئله فلسطین در این جوامع سر باز کرده است، دیده شود. این جنبش های اعتراضی، تنها علیه سیاست های خارجی و میلیتاریسم قدرت حاکم در آمریکا، نیست. این اعتراضات شروع تعمیق بحران های سیاسی در غرب است که کل ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی این جوامع را هدف قرار داده است. اعتراضاتی که منشا بحران های سیاسی در جوامع غربی، در اروپا و آمریکا است که نه تنها علیه میلیتاریسم بورژوازی خودی است که بعلاوه محور یک حسابرسی تاریخی، چه در سیاست خارجی و چه در سیاست داخلی، از قدرت هایی است که گفته میشود «منتخب مردم» هستند و مشروعیت شان را از صندوق های رای هر چهار سال یک بار گرفته اند.

این جنبش علاوه بر خواست توقف فوری ماشین کشتار جمعی ارتش اسرائیل در غزه، جانمایی که در کاخ سفید و دفتر نتانیاهو و صندلی های نهادهایی چون ناتو و .. نشسته اند را به زیر تیغ محاکمه سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیکی کشانده است. مردمی که در اعتراضات شان علیه نسل کشی در اسرائیل بعلاوه در مقابل حمله راست افراطی در جوامع خودشان هم ایستاده اند. علیه تحمیل فقر و بیکاری و سرکوب آزادی های سیاسی، حمله به دستاوردهای تاریخی جامعه در مورد حق زنان، دستاوردهای طبقه کارگر، حقوق اقلیت های مختلف، آزادی عقیده و بیان و تشکل و اعتصاب و اعتراض و ... در یک سنگر و جبهه اعتراضی اند. ناسیونالیسم و صهیونیسم و نژادپرستی و استنادار دوگانه و ایدئولوژی «فقر سهم اکثریت بی سرمایه و کارکن و رفاه سهم اقلیت ممتاز»، این ایدئولوژی ارتجاعی

# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد  
از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال  
یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

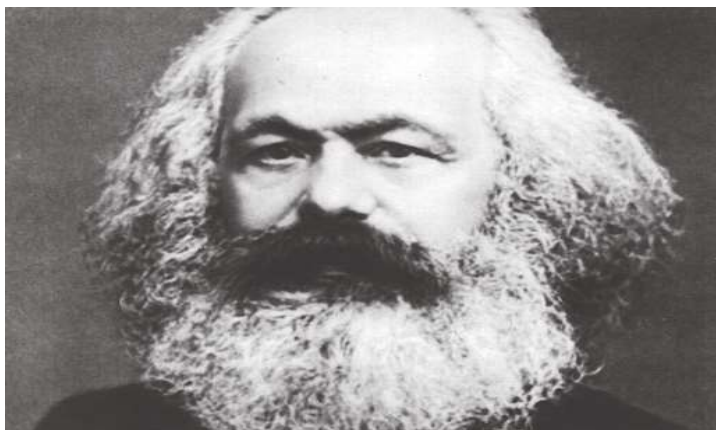
سر دبیر: فواد عبداللهی

غروب نظم جهان یک قطبی...

تا جایی که به تخصصات در بالا و میان قدرت های بزرگ حاکم بر جهان برمیگردد، جنگ روسیه در اوکراین و مسئله فلسطین که نسل کشی و جنایات دولت اسرائیل در غزه تنها یک اپیزود از آن است، دو «کریدور» خروج دردناک و خون آلود جهان یک قطبی از بن بست تاریخی است که بیش از سه دهه است که گریبانگیرش است. دو مسیر خروج از بن بست و ناتوانی حل معضلات کاپیتالیسم در «مهد تمدن» و «جهان آزاد» شده ای است که پس از فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد، قرار بود پایان تاریخ و پایان خطر سوسیالیسم باشد. در این گذرگاه تاریخی، تعیین تکلیف سرنوشت اوکراین و فلسطین، نه هدف که تنها ابزاری است در راه به سرانجام رساندن معضلات پایه ای تری که نظم جهان کاپیتالیستی با آن دست و پنجه نرم میکند.

نحوه به سرانجام رسیدن آن معضلات پایه ای است که معلوم میکند جهانیان، از غزه تا اوکراین و در سراسر کره خاکی، کم و بیش و برای دهه ها، در چه شرایطی کار و زندگی خواهند کرد. چگونگی عبور جهان از این دو کریدور، دو آلتناویو و دو راه «برون رفت»، دو نوع پاسخ در مورد آینده ای که قرار است جهانیان برای دوره ای طولانی در آن زندگی کنند، را مقابل جهانیان میگذارد.

برای حل معضل فلسطین (بعلاوه بقاء اسرائیل) و معضل اوکراین (بعلاوه بقاء ناتو) دو راه حل و دو پاسخ وجود دارد. پاسخ بالا، جنگ و مذاکرات و معاملات و گسترش مسابقه میلیتاریستی و افزایش بودجه های نظامی و زورآزمایی های در میدان جنگ های نظامی و اقتصادی و ... است که امروز بن بست خود را در مقابل جهانیان به نمایش گذاشته است. سوال این است که آیا پایین، جنبش مردم معترض مترقی که بپاخواسته اند، طبقه کارگری که برای حل معضل فلسطین در غرب پا به میدان گذاشته است، جنبش عظیمی که در سراسر جهان سوت دیگر بس است را به صدا درآورده است، چگونه میتواند جنبش اعتراضی اش را به سوی راه حل های خود پیش ببرد.



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!